

Investigation of Human Social and Moral Education in the Qur'an from the Perspective of Allameh Tabatabai

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Iraj Safdari¹
Akbar Rahnama^{2*}
Mohammadhossein Mirzamohammadi³

How to cite this article

Iraj Safdari, Akbar Rahnama, Ghiasy Reza, Mohammadhossein Mirzamohammadi, Investigation of Human Social and Moral Education in the Qur'an from the Perspective of Allameh Tabatabai, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 8(1): 234-243.

ABSTRACT

The purpose of this research is to investigate the social and moral education of humans in the Qur'an from the point of view of Allameh Tabatabai. For this purpose, the anthropological thoughts of Allameh Tabatabai were studied and based on its implications, the principles related to social education were deduced. Documentary-analytical method was formed. In the field of anthropological thoughts, philosophical schools and their anthropological issues (including anthropological foundations, the quality of human knowledge, the perfect human being in various philosophical schools) were discussed. The educational topics that were compiled based on these thoughts were discussed in the form of a proposed framework in the form of the principles of social education. The results of this research in the objectives section showed that the ultimate goal of social education in Islam is to achieve happiness and closeness to God.

1. PhD student, Department of Philosophy of Education, Shahid University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Shahid University, Tehran, Iran (corresponding author).

3. Professor, Department of Philosophy of Education, Shahid University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: ak.rahnama@gmail.com

Keywords: *Social education, Ethics, Human, Quran.*

بررسی تربیت اجتماعی و اخلاقی انسان در قرآن از

دیدگاه علامه طباطبایی

تمایلات فردی و اجتماعی امری ضروری است. این تعادل باید به گونه ای باشد که هریک از ابعاد فوق، بدون ایجاد مزاحمت برای دیگری به نهایت رشد و شکوفایی خویش برسند و حتی فراتر از آن، به چنان تفاهمی دست یابند که به پیشرفت و بالندگی یکدیگر یاری برسانند. این امر تنها در سایه ی تربیت اجتماعی همه جانبه واقع بینانه به دست می آید. با این وجود، در این زمینه نظرات بی شماری وجود دارد که با کم اهمیت جلوه دادن بعد فردی یا اجتماعی انسان، تربیتی تک بعدی و غیر واقع بینانه را پیشنهاد می کنند.

پژوهش حاضر، به منظور رفع این نقیصه، در صدد است با مراجعه به منابع ناب اسلامی، که حاوی واقع بینانه ترین راه حل ها برای مسائل بشری است به تدوین چهارچوبی برای تربیت اجتماعی بپردازد. لذا در این مورد ضرورتی احساس شد تا به بیان مسئله و انجام تحقیق «در مورد بررسی تربیت اجتماعی و اخلاقی انسان در قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)» پرداخته شود. و دلالت‌هایی، برای اصول تربیت اجتماعی، استخراج شود تا یک دیدگاه متقن دینی در زمینه تربیت اجتماعی ارائه گردد. در نتیجه، عنوان تحقیق به این طریق شکل گرفت. که

« بررسی تربیت اجتماعی و اخلاقی انسان در قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی؟ »

در قرون متمادی به ویژه بعد از رنسانس در میان برخی از مکاتب فلسفی غرب نگرش اومانیستی و مهم شدن انسان در تشخیص نیازهایش از جمله نیاز به تشخیص سرنوشت خویش، مشاهده می شود. در این دوره مکتب اومانیسم را می توان مکتب شاخص در این زمینه دانست که یکی از مبانی اساسی این مکتب همین است که انسان با توجه به اعتقاد به نیکی فطرت آغازیش، می تواند ملاک و معیار همه چیز در تعیین سرنوشت خویش و رسیدن به کمالش باشد در این مقاله نظرات انسان شناسی علامه طباطبایی که برگرفته از قرآن می باشد و نظرات جان دیویی که برگرفته از فلسفه غربی است بررسی می شود. تا بتوانیم تربیت اجتماعی را از دیدگاه علامه طباطبایی بررسی کنیم. برای مثال از نظرات جان دیویی، این موضوع دریافت می شود. که انسان به عنوان موجودی تغییر پذیر در رسیدن به شناخت ماهیت خویش و کمال وجودیش «خودبنیاد و مستقل» است و قابلیت و استعداد معنابخشی به حقیقت ها و تعیین بخشی به زندگی و رسیدن به کمال خود را دارد و از این رو می توان گفت که واضع حقیقت کمالش است و نه فقط کاشف آن، (۱)

دیویی در دیدگاه تربیت اجتماعی عملگرایانه اش، کمال تربیت اجتماعی را در اصالت دادن به فرد می داند. نظر جان دیویی، آموزش و پرورش فرد هدفی ندارد، مگر اینکه فرد را به ادامه آموزش و پرورش خود و نیکی فطرتش بکشاند (۲)

دیویی به جای پرداختن به روح، به غرایز، امیال، عادات و امور اکتسابی پرداخته است و انسان را حاصل تجربه در فرآیند حل مشکل و تجربه را بخشی از طبیعت دانسته است این تجربه بعد مادی و عینی دارد و مهمترین بعد وجودی انسان را تجربه گری

ایرج صفدری^۱
دانشجوی دکتری، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

اکبر رهنما^{۲*}
دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول).

محمدحسن میرزامحمدی^۳
استاد، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تربیت اجتماعی و اخلاقی انسان در قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی است. بدین منظور، اندیشه های انسان شناسی علامه طباطبایی مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس دلالت‌های آن، اصول مربوط به تربیت اجتماعی استنباط شد. این پژوهش که از جمله طرح های تحقیق کیفی به شمار می رود، با استفاده از روش اسنادی - تحلیلی شکل گرفت. در حیطه اندیشه های انسان شناسی، مکاتب فلسفی و مسائل انسان شناسی آنها (از جمله مبانی انسان شناختی، کیفیت شناخت انسان، انسان کامل در مکاتب فلسفی گوناگون، مطرح شد. مباحث تربیتی که بر مبنای این اندیشه ها تدوین گردید به صورت یک چهارچوب پیشنهادی در قالب اصول تربیت اجتماعی مورد بحث قرار گرفت. نتایج حاصل از این پژوهش در بخش اهداف نشان داد که هدف غایی تربیت اجتماعی در اسلام دستیابی به سعادت و قرب الهی است.

واژگان کلیدی: تربیت اجتماعی، اخلاق، انسان، قرآن.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

* نویسنده مسئول: ak.rahnama@gmail.com

مقدمه

انسان، به عنوان یگانه موضوع تربیت، ابعاد گوناگون تربیتی دارد و تربیت شایسته باید به رشد، پرورش و تعدیل همه این ابعاد توجه داشته باشد. یکی از این ابعاد تربیت، تربیت بعد اجتماعی است که متضمن پیوند متقابل فرد و جامعه می باشد. به این معنا که انسانها در کنار تمایلات قوی و بی شمار فردی، در برابر یکدیگر و نیز در برابر جامعه، دارای حقوق و وظایفی هستند که پایبندی به آن، لازمه ی زندگی سعادت‌مندانه ی ایشان است. لذا برقرار ساختن تعادل بین

دیویی درباره حقیقت و واقعیت «نفس» انسانی، در مقابل آنان که نفس را جوهری مجرد و مستقل می‌دانند، بر این باور است که نباید فراموش کرد که «نفس» چیزی ساخته و پرداخته و ثابت نیست، بلکه پیوسته به وسیله افعال اختیاری ما دگرگون می‌شود. (۳)

اصول انسان‌شناسی از نگاه دیویی

اصول انسان‌شناسی جان دیویی شامل موارد ذیل می‌باشد. انسان، پدیداری متغیر از اعمالش می‌باشد ساحت عملی انسان بر ساحت فکری رجحان دارد. سرنوشت انسان در حوزه عمل و تجربه خلاصه می‌شود و حوزه مباحث نظری و متافیزیکی از رجحان کمتری برخوردارند انسان وجودی فرایندی و تکاملی دارد. تکامل خصیصه‌ی ذاتی انسان است. تغییر، ویژگی اصلی ذات انسان است. نفس انسان، ثابت نیست. انسان پیچیده‌ترین موجودات عالم است. انسان ماهیتا دارای قابلیت تغییر پذیری است. جهان انسان، جهان شدن است. انسان شاکله‌ای از جسم و سائق‌ها و بازتابها و تجارب می‌باشد. انسان آزاد مشروط اما نه کامل و کنترل‌گر محدود وقایع است. موجودی تأثیرپذیر و تأثیرگذار است. یعنی مدام در تعامل با محیط است. انسان با انجام عمل، نمود پیدا می‌کند. فطرتی دارد که، آمیزه‌ای از خوب و بد و خنثی بودن است یعنی هم نیکی فطرت و هم شریری فطرت دارد. موجودی است که به سمت تکامل و پویایی حرکت کند و تجربه‌گری مفید و کارآمد و پیروز در حل مسئله می‌باشد. او موجودی مشکل‌گشا است. تجربه‌گرا بهترین شکل زندگی است. موجودی است که در او هیچ اندیشه‌ای، ذاتی نیست بلکه تجربه در حال رشد حل مسئله، اساس هستی او را تشکیل می‌دهد. در تشخیص کمالش، خودبنیاد می‌باشد. موجودی پردازش‌گراست و با تجزیه و تحلیل‌گری موقعیتها، به رفع عملی مشکلات می‌پردازد. پژوهشگری انسان، بهترین وسیله برای نیل به خیر اخلاقی و بهترین راه رشد و کمال است. در نزد دیویی، خیر مطلق معنی ندارد. رفتارهای انسان، فطری و ثابت نیستند بلکه اکتسابی هستند. حقیقت انسان، امری متحرک و تغییر پذیر است. حقیقت انسان، امری نسبی و وابسته به زمان و مکان و نتایج است و انسان هیچ وقت به حقیقت مطلق نخواهد رسید. بلکه اشکال گوناگون آن را در حل مشکلات تجربه می‌کند. افکارش، نیروی خاصی دارند به طوری که همیشه متوجه هدفی هستند. تنها حقیقت و جوهر زندگی‌ش، عمل است. اصالت انسان با طبیعت تجربی اوست. و یگانه راه شناخت خداوند، طبیعت تجربی انسان است. حقیقت نزد انسان وجه آزمایشی دارد و از روش علمی به دست می‌آید. حقیقت انسانی بر اثر سهیم شدن مردم در تجارب یکدیگر در رویارویی با مسائل مشترک با مایه اجتماعی شکل می‌گیرد، تعامل انسان با محیط و اجتماع، امری چندوجهی و دوسویه است. انسان موجودی ابزارپرداز برای آموزش و پرورش و زندگی است. ابزار انسان فکر اوست. فکر کردن انسان حاصل فرآیندی است که موقعیت نامعینی یا نیاز نابرابر آورده‌ای پیش رویش باشد (۲)

او برای حل مشکل می‌داند تجربه را همان روش حل مسئله میدانند و روش حل مسئله را همان فرایند تفکر، تعریف می‌کند که اصلی‌ترین صفت انسان است و دیویی به روح کاری ندارد.

علامه طباطبایی بر نیکی فطرت انسان معتقد است و با استفاده از نظریه تفسیری خود به دنبال ارائه دادن اصولی ثابت و پایدار برای تربیت اجتماعی است که بر اساس معیارهای دینی شکل گرفته باشد. نقطه شروع انسان‌شناسی و علم تربیت اجتماعی از نظر تاریخی به خلقت حضرت آدم می‌رسد. فیثاغورسیان، تالس، آناکسیمنس و آناکسیمندر، همه فیلسوفان و همه دانشمندان درباره انسان‌شناسی و تربیت اجتماعی او، نظریه داده و قلم فرسایی کرده‌اند. اما در این پژوهش به طور اخص منظور از سوابق پژوهشی، دانشمندان و فیلسوفانی هستند که از دهه‌ی ۱۳۵۰ به بعد در این زمینه به پژوهش پرداخته‌اند.

مواد و روش‌ها

با توجه به اینکه روش تحقیق در این پژوهش از نوع کیفی می‌باشد برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های کیفی استفاده شده است که شامل فیش برداری برای تحلیل مقوله‌ها و تحلیل مفهوم در قالب کدهای اصلی و کدهای فرعی در انسان‌شناسی جان دیویی و علامه طباطبایی است. در این پژوهش، روش تحقیق شامل دو روش می‌باشد: اولین روش شامل روش نقد و بررسی است که بر اساس تحلیل مفهومی از نوع بسط و توسعه‌ی مفهوم می‌باشد که برای روشن شدن و تبیین بیشتر دیدگاه‌های انسان‌شناسی جان دیویی و علامه طباطبایی (ره) استفاده شده و همچنین تحلیل مفهومی از نوع ارزیابی ساختار مفهوم که از این روش هم برای نقد دیدگاه انسان‌شناسی جان دیویی از منظر علامه طباطبایی (ره) استفاده شده است دومین روش در این پژوهش، روش استنتاجی از نوع پیش‌رونده می‌باشد که از آن برای بررسی و استخراج دلالت برای اصول تربیت اجتماعی بر اساس نقد مبانی انسان‌شناسی جان دیویی از منظر علامه طباطبایی (ره) استفاده شده است.

سؤالات پژوهش

- ۱- از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) چه نقدهایی بر مبانی انسان‌شناسی جان دیویی وارد است؟
- ۲- کدام اصول تربیت اجتماعی انسان را می‌توان از بررسی و نقد مبانی انسان‌شناسی جان دیویی از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) استخراج کرد؟

انسان‌شناسی در اندیشه جان دیویی

در اندیشه دیویی، انسان با همه ابعادش از جمله ذهن و معرفت، صبغه مادی دارد و به جوانب روحی و معنوی او توجه کافی نشده است. دیویی در وادی روح گام زده و حتی در فلسفه دین، دین را به گونه مادی تفسیر کرده است و به‌طور طبیعی اینگونه نگرش در پیکره آموزش‌های تعلیم و تربیت وی، آثار عمیقی نهاده است.

واقعیت نفس انسانی از نگاه دیویی

انسان موجودی مرکب از جسم و روح است این دو حیث کاملاً مستقل از هم نیست. پرورش جسم مقدمه برای پرورش روح است. تقدم رتبی نه زمانی.

اصل اصالت روح

حقیقت انسان، روح است. ذات اصیل و درونی انسان، همان روح است (۷).

اصل داشتن فطرت نیک الهی

انسان فطرتی نیک و الهی دارد و بر حسب فطرت خویش جویای کمال بی نهایت است. انسان خلقت خاص خود را دارد. سرشتی الهی دارد یعنی آدمی نسبت به مبدأ هستی گرایش درونی دارد. از دید علامه طباطبایی، فطرت، فطرت توحید است و فطرت همه بر نورانیت است و تربیت باید فطرت را شکوفا کند. از دیدگاه علامه طباطبایی تمام بدیختی ها و فلاکت انسان ها از زمانی آغاز می گردد که در تشخیص این مصداق دچار اشتباه می شود و خود را به امور مادی زودگذر مبتلا می سازد غافل از این که او طالب کمال مطلق است و به عبارتی همواره انسان (آن چه را که ندارد می خواهد).

(۷)

اصل فطری داشتن حیات اجتماعی

از دیدگاه علامه طباطبایی منشأ تمایل انسان به برقراری ارتباط با دیگران نیز نمود فطری دارد. در اسلام مسئله تکوین شخصیت انسان در بستر حیات اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است. مقصود از حیات اجتماعی، پرورش این جنبه از وجود آدمی است به نحوی که زمینه فردگرایی محض از بین برود و مشارکت در فعالیت های اجتماعی مورد استقبال قرار گیرد..

اصل فطری اختیار

انسان موجودی مختار و در عین حال دارای محدودیت هایی هم هست. علامه طباطبایی با استناد به آیه سوم از سوره مبارکه انسان معتقد است که خداوند انسان را موجودی آزاد ((دارای قدرت انتخاب و اعمال اراده در حیطه اعمال اختیاری)) آفریده است. در مبانی فلسفی علامه، وجود انسان در عین حالی که محکوم جبر نیست در نظام هستی آزاد مطلق هم نیست. او نخستین مرحله این نوع آزادی را آزادی روح انسان از بندعلاقه های دنیوی و شهوات و تمایلات نفسانی دانسته است. انسان که موجودی مختار است در هنده فلسفی علامه طباطبایی جهت دگرگونی و تکامل، نیاز به آزادی دارد. و روشن است که بیشترین تأثیر آن به مبانی، اصول و اهداف آموزشی تعلق می گیرد. در هر حال ایدئولوژی زندگی مردم ما و نظام آموزشی کشور بر اساس مکتب اسلام است از جهاتی نیز به فلسفه پراگماتیسم توجه دارد و در محافل تربیتی، از رشد فکری، آزاد اندیشی، فعال بودن شاگرد، تقویت روحیه همکاری در بین شاگردان و رشد تربیت اجتماعی آنان صحبت می شود.

بدیهی است اگر کمی دقیق تر بشویم به این موضوع نیز پی خواهیم برد که بدون آزادی، تربیت مفهوم و مصداق نمی یابد. (۷)

تربیت اجتماعی انسان، حاصل تطبیق فعالانه ارگانسیم هایش با محیط خود می باشد. محور تمام مسائل است. قدرت طلبی اش ضدترقی او است و مشارکت اجتماعی او یگانه راه پیشرفت و برقراری عدالت است.

انسان موجودی طبیعی است و حقیقت فراطبیعی ندارد. مکتب انسان مداری جان دیویی، بر این باور است که انسان بخشی از طبیعت است و به عنوان نتیجه ی یک فرایند مستمر (به طور خودآمده) پیدایش یافته است. (۴)

از نظر جان دیویی، انسانی که دارای سازگاری مثبت با محیط و جامعه باشد، انسان کاملتری است. اصول تعلیم و تربیت در انسان شناسی جان دیویی که شامل اصل رغبت، اصل رشد، اصل تغییر، اصل سازماندهی تجربه، اصل پیوستگی تجربه، اصل اصالت عمل، اصل تأثیر متقابل تجارب درون و بیرون، اصل آزادی، اصل کنترل اجتماعی می باشند همه در رسیدن یک انسان به کمالی کاربردی و مؤثر در برآوردن نیارهای واقعی و روزمره اش، مهم هستند. بنابراین چنین کمال کاربردی، مداوم در حال تغییر و مطابقت با نیازهاست. (۵) از نظر جان دیویی، غرایز و استعدادها مانند تکلم، عقل و وجدان وسایل فطری بشری هستند که در صورت استفاده ی صحیح از آنها می تواند به سازگاری مثبت با جامعه و محیط پردازد. از نظر جان دیویی هدف تربیت انسان، آماده ساختن بشر برای زندگی در آینده نیست بلکه تجربه گری برای زندگی کنونی مهمتر از هر زمانی است. (۲)

انسان شناسی در اندیشه علامه طباطبایی

انسان شناسی علامه طباطبایی (ره) انسان را در حقیقت روحی او خلاصه می کند حقیقت روحی، اصالت وجود انسان است. از نظر علامه طباطبایی، ارزشهای اسلامی، کامل و جاوید هستند. اسلام بر مطلق بودن ارزشها، تأکید دارد. و در نتیجه، انسان در برآوردن نیازهای ارزشی خود، موجودی «دین بنیاد» است و باید پیرو دستورات الهی قرآن باشد. تا به سعادت و رستگاری برسد. (۶)

از منظر اندیشه های علامه طباطبایی، انسان موجودی است که از شأن حقیقی خود، یعنی حیات توحیدی (وجودی) هبوط کرده و درگیر عالم کثرات شده به دلیل آنکه آن را اصیل پنداشته است. لذا این عالم برای انسان جایگاه و منزل حقیقی نبوده و انسان باید از دامان این کثرات به وسیله ی معرفت حقیقی و حضوری به جایگاه اصلی خود صعود کند. بنابراین هیچ یک از کثرات برای مطلوب حقیقی انسان قرار گرفتن، شأنی ندارند. لذا ثروت، جاه و پست سازمانی و حداکثر دارای ارزش ابزاری برای کمال حقیقی انسان هستند.

علامه طباطبایی (ره) درباره انسان شناسی، اصولی تفسیری دارد که مهمترین آنها شامل موارد زیر می باشد:

اصل دویبعدی بودن انسان

دیدگاه علامه طباطبایی (ره) در انسان شناسی، دیدگاه «تفسیری» یعنی «دین بنیاد» می باشد. که این تفسیرها در آثارش با نام تفسیر المیزان، اصول فلسفه و روش رئالیسم، الانسان و العقیده (الانسان قبل الدنيا، الانسان فی الدنيا، الانسان بعد الدنيا)، رساله الولایه، نهائیه الحکمه و بدهایه الحکمه علامه طباطبایی (ره) آمده است. در بیان روش تفسیری خود در انسان شناسی، به منظور اینکه به طریقه اهل بیت عمل کرده باشد؛ هفت جهت تفسیری را بیان می کند و می فرماید اهل بیت تنها در این هفت جهت به تفسیر قرآن پرداخته اند؛ و لذا ایشان نیز تنها در این هفت جهت به تفسیر آیات می پردازد. (۸)

از میان هفت جهت مزبور، سه جهت به طور خیلی اختصاصی مربوط به انسان می باشند که عبارتند از:

الف- معارف مربوط به انسان در زندگی قبل از دنیا

ب- معارف مربوط به انسان در دنیا همچون معارف مربوط به پیدایش نوع او

ج- معارف مربوط به انسان در عوالم بعد از دنیا یعنی برزخ و معاد انسان در عالم ماقبل دنیا

انسان در عالم ماقبل دنیا، موجود مجردی است که فارغ از ماده بوده و از هر نقص و شرو قوه و استعداد مبراست. علامه طباطبایی (ره) می فرماید: به دلیل قطعی عقلی و نقلی نیز ثابت شده که انسانیت انسان به روح مجرد اوست که با حدوث بدن دنیوی، حادث می شود. بنابراین طبق آیات و روایات قرآن، روشن شد که انسان قبل از پای نهادن به عالم مادی، با همه ی وجود خود یعنی همان روح مجرد خویش، به یگانگی خداوند اعتراف کرده و آن را هرگز فراموش نخواهد کرد. لکن به نظر می رسد در عالم مادی، دلیل فراموشی انسان نسبت به این عهد و پیمان از آن جهت است که بعضی از انسانها دچار شهوات و شیفتگی این عالم شده ولی باز در حین مشکلات و سختی ها یگانگانه معبود خود را به یاد می آورند که این نشان از معرفت فطری است که انسان در حیات ماقبل دنیا دارد که در همان جایگاه، اقرار به توحید و یگانگی خداوند متعال کرده است. (۸)

اصول انسان شناسی علامه در عالم قبل از دنیا

انسان در عالم ذر

عالم ذریا عالم آلت یا عالم «قالوا بلی» یکی از جهانهای آفرینش که در قرآن و روایات به آن اشاره شده است. بنا بر عقیده اندیشمندان اسلامی، این عالم مربوط به دوران پیش از خلقت آدم و یا همزمان با خلقت اوست. در عالم ذر، تمام انسانهایی که قرار بوده تا روز قیامت به دنیا بیایند، به صورت «ذره» و به تعبیر بعضی از روایات به شکل مورچه ظاهر شدند. در عالم ذر، از همه «ذرات» پیمانی بر توحید و ربوبیت خدا و نبوت پیامبران از جمله پیامبر اسلام (ص) و ولایت اوصیاء، از جمله ولایت امام علی (ع) گرفته شد و سپس آن افراد که به صورت ذره بوده از بین رفتند و یا به جایگاه اولی خود بازگشتند. دیدگاههای دیگری نیز در مورد این عالم از جمله توحید فطری، عالم ملکوت، تمثیل و مجاز ارائه شده است.

انسان در عالم امر

انسان قبل از تولد در عالم امر، وجود داشته است. عالم امر تدریجی نیست. ولی عالم خلق، تدریجی است. روح از عالم امر است و از ملائکه بالاتر است و نوعی سلطه و قیام بر آنها دارد. همه موجودات جسمانی و آثار آنها که به تدریج متکوّن می شوند در وجودشان که از حضرت حق افاضه می شود دارای دو وجه هستند: وجه امری غیر تدریجی و وجه خلقی تدریجی است «یدبر الأمر من السماء إلی الأرض» هر شیئی را در نزد خدای سبحان منبع و مخزنی است که تنزل از آن به حدی معلوم صورت می گیرد. امر همیشه از مرتبهای به مرتبه دیگر تنزل می کند تا اینکه مشرف به عالم اجسام می گردد و در عین حال در جمیع مراتب و مراحل بر همگی کمالات مشتمل، و از نواقص مبراست پس موجودات عالم امر، انواری پاکند و از همین جاست که خداوند سبحان روح را که از عالم امر است- به طهارت و قدس وصف نموده است.

اصل چندگانه بودن روح در عالم امر

روح انسان در عالم امر انواعی دارد. که عبارتند از:

الف- روح مشترک در همه انسانها - ب- روح ایمان در مؤمنان -

ج- روح قدسی در پیامبران

اصول انسان شناسی علامه طباطبایی

اصل اصالت تکلیف

انسان خلیفه ی خداست و حامل امانت است پس مکلف است.

اصل هدایت پذیری

انسان حامل هدایت عمومی و هدایت خصوصی است.

اصل داشتن علم

انسان عالم به اسماء است

اصل تمایز با فرشتگان

علم آدم همان علم خداست که از ملائکه محبوب مانده است

اصول فطری انسان شناسی علامه در عالم دنیا

اصل دویعدی بودن معانی نزد انسان

انسان حامل معانی حقیقی و معانی اعتباری است. معانی اعتباری از

معانی حقیقی گرفته می شوند

اصل کمال جویی

انسان حامل نظام جزئی و نظام کلی است. که لازمه آن استکمال است. ذات آن از زمانی که در عالم وجود ظاهر می گردد با خود عده

ای از عوارض لازمه و غیر لازمه به دنبال دارد و سپس سلسله ای از عوارض یکی بعد از دیگری بروی وارد می گردند و دائماً این ذات

بدانها مستکمل می گردد

اصل هدایت پذیری

انسان حامل هدایت عمومی و هدایت خصوصی است. شارحین و شاگردان علامه طباطبایی از زوایا و رویکردهای مختلفی نظریه

اعتباریات را تفسیر کرده اند مشهورترین رویکرد به نظریه ی اعتباریات، نگرش معرفت شناسانه است. در این نگاه، معرفت های

انسانی به ادراکات حقیقی که ناظر به هست ها و نیست هاست

- ۵- هر دو دیدگاه بر اجتماعی بودن انسان تأکید دارند
- ۶- هر دو دیدگاه بر پیچیده بودن شناخت انسان تأکید دارند.
- ۷- هر دو دیدگاه انسان را مختار و آزاد مشروط می دانند که در عین حال محدودیت هایی هم دارد.
- ۸- دیدگاه هر دو بر واقع گرایی تأکید دارد.
- افتراقات انسان شناسی جان دیویی و علامه طباطبایی (ره)
 - ۱- خودبنیادی مبانی انسان شناسی جان دیویی و دین بنیادی بودن مبانی انسان شناسی علامه طباطبایی (ره)
 - ۲- تغییر مداوم من انسان در مبانی انسان شناسی جان دیویی و ثبات مداوم من انسان در مبانی انسان شناسی علامه طباطبایی (ره)
 - ۳- نظری (علمی) بودن مبانی انسان شناسی جان دیویی و عملی (اخلاقی) بودن مبانی انسان شناسی علامه طباطبایی (ره)
 - ۴- پدیداری بودن معنا در مبانی انسان شناسی جان دیویی و متافیزیکی بودن آن در مبانی انسان شناسی علامه طباطبایی (ره)
 - ۵- نسبی بودن مبانی انسان شناسی جان دیویی و عینی بودن مبانی انسان شناسی علامه طباطبایی (ره)
 - ۶- اصالت عقل نظری (علم) در مبانی انسان شناسی جان دیویی و اصالت عقل عملی در مبانی انسان شناسی (ارزشها و اخلاق) علامه طباطبایی (ره)
 - ۷- تأکید بر برآورده شدن اهداف مادی در مبانی انسان شناسی جان دیویی و برآورده شدن اهداف معنوی در مبانی انسان شناسی علامه طباطبایی (ره)
 - ۸- نداشتن مبداء مقصد برای حیات انسان در مبانی انسان شناسی جان دیویی و داشتن مبداء مقصد برای حیات انسان در مبانی انسان شناسی تفسیری علامه طباطبایی (ره)
 - ۹- تأکید بر سود و سرمایه داری مادی در مبانی انسان شناسی جان دیویی و سرمایه داری معنوی در اندیشه های انسان شناسی علامه طباطبایی (ره)
 - ۱۰- مسئول بودن انسان در برابر خودش در مبانی انسان شناسی جان دیویی و مسئول بودن انسان در برابر خدا در مبانی انسان شناسی علامه طباطبایی (ره)
 - ۱۱- نگاه غائی به دنیا در مبانی انسان شناسی جان دیویی و نگاه ابزاری به دنیا در مبانی انسان شناسی علامه طباطبایی (ره):
 - ۱۲- جان دیویی، نگاه توافقی به نتایج عمل را موجب تصدیق عمل می داند ولی علامه طباطبایی (ره) دستورات ثابت دینی را موجب تصدیق عمل می داند.
 - ۱۳- جان دیویی همه ی ادراکات انسان شناسی را در نهایت ناشی از حس می داند ولی علامه طباطبایی (ره) ادراکات حسی مربوط به اشیا عینی و خارجی را شرط لازم همه ادراکات نمی داند.
 - ۱۵- دیویی با انکار متافیزیک، مستقیماً تمام مباحث انسان شناسی را در قلمرو تجربه و علوم تجربی مطرح می کند ولی علامه طباطبایی (ره) تمام مباحث انسان شناسی را در قلمرو تفسیری دینی و روح مطرح می کند.

و به ادراکات اعتباری که ناظر به بایدها و نبایدها است، تقسیم می شود

اصل کمال پذیری انسان

کمال انسان تدریجی است. بر اساس زندگی انسان در سه عالم مدنظر علامه طباطبایی، اصول تربیت اجتماعی انسان باید اصولی ثابت باشند. تا بتوانند کمال انسان در رسیدن به سعادت راتضمین کنند. (رجبی ۱۳۸۰)

انسان شناسی از نظر علامه طباطبایی (ره) در زندگی بعد از دنیا

فنانا پذیری انسان

مرگ انعدام نیست بلکه انتقالی است از دنیایی به دنیایی دیگر است. نه آن بی حسی و بی حرکتی و زوال زندگی ای است که به دید ظاهری ما درآید، بلکه بازگشتی است به سوی او که به خروج از نشئه دنیا و ورود به نشئه دیگر (آخرت) محقق می گردد. آنچه با موت منتقل می شود، همانا روح است (ملا آقائیان بهمنی ۱۳۹۳)

آشکار گشتن حقیقت بر انسان در عالم بعد از دنیا

با موت، حقیقت امر بر انسان آشکار می گردد. اولین واقعیتی که در هنگام مرگ بر وی آشکار می شود همانا بطلان دنیا و مافیهاست از دست دادن اختیار تعیین سرنوشت در عالم بعد از دنیا

با ترک روح از بدن، انسان اختیار و توانایی خویش را از دست می دهد و لذا موضوع تکلیف مرتفع می گردد در چنان وضعیتی انسان در یکی از دو طریق سعادت و شقاوت قرار می گیرد یعنی یکی از این دو واقعیت سعادت و شقاوت نسبت به او متعین می گردد یا بشارت سعادت را دریافت می دارد یا وعید شقاوت را دریافت می دارد. چون تا زمان موت، اختیار انسان باقی است و امکان انتقال انسان از یکی از دو راه شقاوت و سعادت به دیگری هنوز وجود دارد، لذا بشارت بهشت هیچگاه در دنیا محقق نمی گردد. (۸).

بررسی تطبیقی مبانی انسان شناختی جان دیویی و علامه طباطبایی (ره)

بررسی تطبیقی شامل پرداختن به دو مقوله ی اشتراکات و افتراقات مقابله ای و مقایسه ای بین دو دیدگاه مبانی انسان شناختی جان دیویی و علامه طباطبایی می شود.

یافته ها

اشتراکات انسان شناسی جان دیویی و علامه طباطبایی (ره)

- ۱- هر دو دیدگاه بر تأثیر طبیعت در پرورش انسان اعتقاد دارند. و انسان را موجودی در تعامل با محیط می دانند.
- ۲- هر دو دیدگاه بر مکلف بودن انسان تأکید دارند.
- ۳- هر دو دیدگاه بر وسیله بودن اهداف در تأمین سعادت انسان تأکید دارند.
- ۴- هر دو دیدگاه بر وجود استعداد های فطری و تفاوت های فردی در انسان قائل هستند.

۱۶- انسان شناسی جان دیویی ابزارانگاران است. در صورتی که انسان شناسی علامه طباطبایی، از نوع تفسیری می باشد.

۱۷- در انسان شناسی جان دیویی، ساحت عملی بر ساحت فکری رجحان دارد ولی در انسان شناسی علامه طباطبایی (ره) هر دو ساحت عملی و فکری با هم برابرند.

۱۸- در انسان شناسی جان دیویی سرنوشت انسان در حوزه عمل و تجربه بررسی می شود ولی در انسان شناسی علامه طباطبایی (ره) سرنوشت انسان در حوزه متافیزیکی و مباحث نظری بررسی می شود.

۱۹- در انسان شناسی جان دیویی انسان از قبل تولد وجود نداشته است و انسان وجودی فرایندی و تکاملی دارد ولی در انسان شناسی علامه طباطبایی (ره) حقیقت انسان روح است که در عالم ذر و عالم امر که متافیزیکی هستند به صورت کامل به وجود آمده است. انسان قبل از تولد در عالم امر وجود داشته است. عالم امر تدریجی نیست ولی عالم خلق، تدریجی است.

۲۰- انسان کامل از نظر دیویی کسی است که تجربه گری کارآمد و مفید و پیروز در حل مسئله باشد

۲۱- در انسان شناسی جان دیویی، انسان فطرتی دارد که متغیر است و آمیزه ای از خوب و بد و خنثی بودن است. ولی در انسان شناسی علامه طباطبایی (ره)، انسان فطرتی الهی و ثابت دارد که بر حسب فطرت خویش، جوای کمال بی نهایت است

۲۲- در انسان شناسی جان دیویی، انسان شاکله ای از جسم، سائق ها، بازتاب ها و تجارب است ولی در انسان شناسی علامه طباطبایی (ره)، انسان مرکب از جسم و روح است و حقیقت انسان روح است.

۲۳- در انسان شناسی جان دیویی، تغییر ویژگی اصلی ذات انسان است و نفس انسان ثابت نیست. ولی در انسان شناسی علامه طباطبایی (ره)، نفس انسان ثابت است و من انسان قابل تغییر نیست.

۲۴- در انسان شناسی جان دیویی، هیچ اندیشه ای ذاتی نیست ولی در انسان شناسی علامه طباطبایی (ره) اندیشه های متافیزیکی فطری و ذاتی هستند.

۲۵- در نزد دیویی خیر مطلق معنی ندارد. در انسان شناسی جان دیویی، پژوهش بهترین وسیله برای نیل به خیر اخلاقی و بهترین راه رشد و کمال است. ولی در انسان شناسی علامه (ره) انجام صحیح تکالیف دینی سبب رسیدن به خیر اخلاقی می شود. هیوط انسان به زمین و عالم جسمیت، موجب انشعاب راه به دوشعبه سعادت و شقاوت می شود در نتیجه گروهی به بهشت و گروهی به جهنم می روند.

۲۶- انسان کامل از منظر جان دیویی کسی است که به سمت پویایی و تکامل حرکت کند و تجربه گری کارآمد و مفید و پیروز در حل مسئله باشد. علامه طباطبایی (ره) انسان کامل را انسانی فطری (معنوی) می داند که فقط خدا را می بیند یعنی هم در افعال و هم در ملکات صبغه ی الهی دارد. انسانی که طبع و غریزه اش در خدمت و در اختیار فطرتش قرار دارد.

۲۷- در انسان شناسی جان دیویی، رفتارهای انسان فطری و ثابت نیستند بلکه اکتسابی هستند چون حقیقت انسان، امری متحرک و تغییر پذیر است. در انسان شناسی علامه طباطبایی (ره) انسان عالم به اسماء است و حامل هدایت عمومی و هدایت خصوصی است انسان خلیفه ی خداست. و حامل امانت الهی است در نتیجه مکلف است پس می تواند به حقایق ثابت نزدیک شود. علم آدم همان علم خداست که از ملائکه محبوب مانده است.

۲۸- در انسان شناسی جان دیویی، انسان به این دلیل که موجودی طبیعی است حامل معانی اعتباری و نسبی است چون حقیقت را نزد انسان، امری متحرک و تغییرپذیری می داند که از طریق آزمایش و با کمک روش علمی به دست می آید. ولی در انسان شناسی علامه طباطبایی (ره) انسان، حامل معانی حقیقی و معانی اعتباری است که معانی اعتباری از معانی حقیقی گرفته می شوند چون که حقیقت انسان روح اوست که امری جاوید و غیر طبیعی می باشد.

از مباحث عنوان شده، چنین بر می آید که در مبانی نظری انسان شناسی علامه طباطبایی (ره) انسان کامل کسی است اعمال و نیات او، دین بنیاد برای رضای خداوند باشد و مؤلفه های رسیدن به سعادت او را که شامل خیر، لذت، هدایت و کمال است در هر کدام از قوای نفس خود که شامل فطرت، ادراک، اراده و عمل است به طور مجزا، شکوفا نماید. و مؤلفه های شقاوت را از خود دور نماید.

تربیت اجتماعی در اندیشه جان دیویی

تربیت اجتماعی، جریانی از تغییرات رفتاری است که اساس آن بر تعامل اجتماعی استوار است و در طی آن انسان از طریق آزمایش و حل مسئله به تجربه زندگی واقعی در جامعه دست می یابد. (۹)

اصول مستخرج شده برای تربیت اجتماعی بر اساس انسان

شناسی جان دیویی

تعلیم و تربیت اجتماعی یک جریان رشد مستمریادگیری آداب و قوانین زندگی در اجتماع دموکراتیک است. کار تربیت اجتماعی حل مسأله انسان است. آموزش و پرورش همچون جامعه ای کوچک، وسیله ای برای تربیت اجتماعی افراد است. تربیت اجتماعی کودکان امری متغیر و وابسته به تجربه گری آنان در سنین و مکانهای مختلف است. بدین ترتیب انسان هر روز نسبت به گذشته دارای تجارب اجتماعی بیشتر و در نتیجه تکامل بیشتری خواهد بود. تربیت اجتماعی باید به علائق و استعداد های کودکان توجه کند. (۹)

تربیت اجتماعی جریان مداوم بازسازی تجربه است. و همواره در حال تحول می باشد کار تربیت اجتماعی، هدایت آینده ی کودکان و معنی دار کردن تجارب آنان است. تربیت اجتماعی انسان در اثر تکامل زیستی و تأثیر متقابل با محیط به وجود آمده است. خوی و عادت انسانها در اثر مرور زمان تغییر می کند. انسانها باید از تربیت اجتماعی به عنوان وسیله برای تغییر رفتار خود در زندگی استفاده کنند تا امکان تداوم حیات را افزایش دهند. تربیت اجتماعی یک استعداد است که هر کودک از ابتدای تولد دارای آن است. روابط

انسانی که استعدادهای تربیت اجتماعی، او در راه خیر شکوفا شود به سعادت و حیات طیبه رسیده است. (۸)

اصل اجتماعی تعاون

یکی دیگر از اصول در تربیت اجتماعی علامه طباطبایی، اصل تعاون است که بر مبنای غریزه ی استخدام طلبی به دست می آید. اصل تعاون به وجود آورنده بادگیری مشارکتی (اصل فعالیت) است. (عابدی ۱۳۹۰)

به همین دلیل است که علامه طباطبایی (ره)، تعاون بر گناه و هر عمل زشتی که مانع سعادت است را مردود می شمارد و تعاون در نیکی و تقوا را روش مؤمنین می داند. به این ترتیب به منظور استفاده از اصل تعاون در تربیت اجتماعی باید شرایطی را به وجود آورد که افراد با کمک هم به اعمال نیک بپردازند و در این مسیر از یاری یکدیگر کوتاهی نکنند.

اصل اجتماعی خودکنترلی

اصل دیگر براساس تربیت اجتماعی علامه طباطبایی (ره) اصل التزام درونی و آگاهانه به قانون (اصل خودکنترلی) است. علامه به درونی شدن کنترل افراد، به عنوان یکی از نتایج اجرای قانون الهی در جامعه، اعتقاد دارد. این کنترل بدان معنا است که زمام مراقبت و نگهداری انسان به دست یک پاسبان درونی سپرده شود که از غفلت و اشتباه مصون و پاداش و کیفر آن قطعی باشد

اصل اجتماعی محبت

اصل دیگر در تربیت اجتماعی علامه طباطبایی (ره) اصل پرورش روحیه ی برابری، برادری و محبت (اصل محبت) در جامعه است. ایجاد برابری، برادری و محبت در مدرسه و جامعه می تواند دلال بسیاری از مسائل و مشکلات آن باشد بر این اساس، تربیت اجتماعی باید به سمت و سوی هدایت شود که برتری ها و امتیازات ظاهری را در نظر افراد و دانش آموزان بی اهمیت سازد و به آن ها بیاموزد که تنها با تقوا و عمل صالح می توانند بر دیگران برتری یابند. با ایجاد چنین نگرشی، محبت و برادری نیز در بین افراد دانش آموز به وجود می آید. زیرا وقتی چیزی برای فخر فروشی وجود نداشته باشد اختلافات رفع می شوند و دوستی جایگزین آن می گردد.

اصل اجتماعی آزادی در عین احترام به حقوق دیگران

اصل دیگر در تربیت اجتماعی علامه طباطبایی (ره) اصل احترام به شخصیت و حقوق دیگران (اصل آزادی) می باشد. به اعتقاد علامه در جامعه ی اسلامی، حقوق جانی، عرضی و مالی افراد به طور یکسان محترم شمرده می شود و افکار و عقاید و خواسته های همه، مورد اعتنا قرار می گیرد. یعنی همه در کاربرد حقوق خود دارای اختیار کامل و بر کار و دستمزد و منافع حاصل از آن مسلط هستند. (۱۰)

اصل اجتماعی تعهد

اصل دیگر در تربیت اجتماعی علامه طباطبایی (ره) اصل تعهد است. به اعتقاد علامه، خوبی وفای به عهد و زشتی عهدشکنی از فطریات بشر

انسان با هموعان سبب ایجاد فرصت یادگیری در تربیت اجتماعی می شود. (۹)

تربیت اجتماعی به منزله ی خاکی است که در آن ماهیت انسان رشد می کند. دموکراسی بهترین شیوه ی تبادل تجربیات برای تربیت اجتماعی است. جامعه ی دموکراتیک مدینه ی فاضله ای برای تربیت اجتماعی است که از ظهور اختلافات و تبعیضات طبقاتی و قومی و نژادی جلوگیری می کند. انسان در عین حال که محصول تربیت اجتماعی است سازنده ی آن نیز می باشد. میان رشد فرد و رشد تربیت اجتماعی او همبستگی وجود دارد. شرکت دانش آموزان در فعالیتهای اجتماعی به رشد تربیت اجتماعی آنان کمک می کند. تمام نیکی ها یا عیب های شخصی افراد محصول مستقیم تعامل ساختار فرد و عوامل بیرونی تربیت اجتماعی می باشند هر آنچه در تربیت اجتماعی انسان نقش دارد فقط محیط عینی است و رفتار اخلاقی و تربیت اجتماعی محصول تعامل طبیعت و شرایط محیطی است. (۹)

تربیت اجتماعی براساس انسان شناسی علامه طباطبایی

تربیت اجتماعی یکی از مهم ترین ابعاد تربیتی انسان است که در هر جامعه ای مورد توجه قرار می گیرد. کیفیت و کمیت این نوع تربیت، به دیدگاه های اجتماعی مسلط در هر جامعه ای بستگی دارد. در کشور ایران، دیدگاه اسلامی گسترده ترین و مقبول ترین دیدگاه تربیت اجتماعی به حساب می آید. لذا طبیعی است که تربیت اجتماعی بر اساس آن انجام گیرد. در بین نظریه پردازان اسلامی، افراد زیادی وجود دارند که هر یک بنا بر درک خویش، به تبیین دیدگاه های تربیت اجتماعی اسلام و موازین مبتنی بر آن پرداخته اند. یکی از مشهورترین این نظریه پردازان، علامه طباطبایی است. در این مقاله، تلاش می شود با مراجعه به اندیشه های تربیتی علامه طباطبایی و مبانی اجتماعی مذکور، تربیت اجتماعی از دیدگاه وی تشریح گردد. بدین منظور، ابتدا تعریفی از تربیت اجتماعی ارائه می گردد. سپس اصول تربیت اجتماعی آن استنتاج می گردند.

تربیت اجتماعی از منظر علامه عبارت است از آماده کردن تدریجی همه ی افراد جامعه برای زندگی مبتنی بر دوستی و همکاری و به منظور رفع نیازهای مادی و رسیدن به سعادت معنوی در جامعه ی جهانی سرشار از صلح و عدالت، از طریق توجه همه جانبه و واقع بینانه به ویژگی های نوع بشر، تعدیل، اصلاح و هدایت گرایز درونی او و سپردن کنترل اعمال و رفتارش به دست مراقبان درونی (۱۰)

اصول تربیت اجتماعی از منظر علامه طباطبایی (ره)

اصول تربیت اجتماعی از نظر علامه طباطبایی، قواعد عامه یا دستورالعمل های کلی هستند که از آن ها به عنوان راهنمای عمل در تدابیر تربیتی استفاده می شود. این اصول در تربیت اجتماعی از جامعه و ویژگی های اجتماعی انسان (که مبانی تربیت اجتماعی هستند) استخراج می گردند

اصل اجتماعی داشتن حیا طیبه

است. زیرا وقتی افرادی تعهدات خود پایبند باشند به حقوق یکدیگر تجاوز نمی کنند (۱۰)

اصل اجتماعی نگرش برابر به تفاوت‌های فردی

اصل دیگر در تربیت اجتماعی علامه طباطبایی (ره)، اصل نگرش برابر به تفاوت‌های فردی است. فطرت برتری طلبی انسان، حتی از طریق تربیت اجتماعی نیز قابل مهار کردن نیست. اما می توان برای تغییر نگرش افراد نسبت به نوع امتیازاتی که مایه برتری می شود تلاش کرد. به اعتقاد علامه، در یک جامعه اسلامی، هیچ کس بر دیگری برتری ندارد و تنها تفاوت افراد، در میزان تقوای آنان است.

نکته دیگری که در این جا قابل ذکر است آن که تساوی در برخورداری از حقوق قانونی و شؤون اجتماعی به این معنا نیست که همه ی افراد جامعه به طور یکسان از همه ی مزایای اجتماعی برخوردار شوند و اصلاً چنین چیزی هم امکان ندارد. بلکه تساوی بدین معنا است که در اجتماع، هر کس به اندازه ی توانایی و استعداد خود پیشرفت کند و هر صاحب حقی به حق خود برسد. (۱۰)

اصل اجتماعی تعقل

یکی دیگر از اصول تربیت اجتماعی علامه طباطبایی (ره)، اصل تعقل است. سعادت حقیقی چیزی است که از طریق عقل سلیم درک می گردد. به همین دلیل، عقل گرایی در اندیشه ی علامه به عنوان یکی از مبانی قانون الهی و یکی از اصول تربیت اجتماعی لحاظ می گردد. (۸)

نتیجه گیری

باتوجه به کار پژوهشی در این مقاله، مقوله انسان شناسی در دو فلسفه ی جان دیویی و علامه طباطبایی (ره) مورد واکاوی قرار گرفت و تعریف انسان کامل از منظر آنها بیان شد در مکاتب فلسفی یک طیف فطری برای انسان در نظر گرفته شده است که در یک سر آن، شیر بودن فطرت انسان و در سر دیگر آن نیک بودن فطرت انسان وجود دارد که سبب به وجود آمدن انسان شناسی های گوناگون و محل جدالها و انقلابهای گوناگون در مقوله تربیت اجتماعی در طول تاریخ بشری بوده است. مکاتب فلسفی که به نیک بودن فطرت انسان قائل بوده اند در تربیت اجتماعی به فرد گرایی، اصالت فرد و حقوق فردی اهمیت داده اند و مکاتب فلسفی که به شیر بودن فطرت انسان قائل بوده اند در تربیت اجتماعی، اصالت را به جمع و جامعه و پیروی از جمع داده اند

پیشنهادهای حاصل از پژوهش

در این قسمت، بر اساس یافته های پژوهش حاضر، پیشنهاداتی به منظور افزایش کیفیت فعالیت های تربیتی (در حوزه ی تربیت اجتماعی) و فعالیتهای پژوهشی مرتبط با موضوع مورد بحث ارائه می گردد.

۱- برای کارگزاران تربیتی

با توجه به این که تربیت اجتماعی، بیش تر بعد پرورشی دارد تا آموزشی و نیز با توجه به منحصر شدن بخش عمده ای از فعالیت های تربیتی در رشد اجتماعی دانش آموزان، پیشنهاد می شود مسئولان و برنامه ریزان تعلیم و تربیت در کتابهای علوم اجتماعی مدارس و شیوه های تربیتی عملی، توجه بیشتری به پرورش بعد اجتماعی دانش آموزان داشته باشند

References

1. Narges Dehghanian (2008) Human knowledge from the perspective of Islam and the philosophy of pragmatism and the comparison of educational goals based on each of them in education and training, Master's thesis of Al-Zahra University, School of Educational Sciences and Psychology.
2. Dewey, John (1370) Experience and Education, translator: Seyyed Akbar Mir Hosseini, publisher: Book Translation and Publishing Center.
3. Kardan, Ali Mohammad and colleagues (1374) Philosophy of Education and Training (Volume 1), Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities (Samt), second edition.
4. Rahmani, Seyyed Ahmad (2014) Criticism and review of John Dewey's educational philosophy, two scientific-specialized quarterly journals of change in human sciences, period 3, number 4 - serial number 4, April 2014, pages 141-182.
5. Bakhtiari, Tahmina, Nik Rooz Youssef (2013) Comparison of the educational ideas of Saadi and John Dewey, Applied Literature (Scientific-Research) Journal, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University, Kerman, 3rd year, number 6, summer 1391.
6. Adeli Mohammad Sadiq (1389) Values from the point of view of Allameh Tabatabaei (RA), scientific and research quarterly, 13th year, No. 33, Winter 89.
7. Kazemi, Valiullah (2014) Understanding the philosophical foundations of education from the perspective of Allameh Tabatabai, master's thesis in the field of history and philosophy of education.
8. Tabatabaei Allameh (RA) (1374) Man from the beginning to the end, collected by Seyyed Hadi Khosrow Shahina Publisher Bostan Kitab Qom.
9. Chiragian Jafar (2009) Comparative study of John Dewey and Emile Durkheim's views on social education, Master's thesis, Shahid Chamran University, Ahvaz, Faculty of Educational Sciences and Psychology.
10. Abedi Munirah (2016) Explaining social education from the perspective of Allameh Tabatabayi, master's thesis in the field of educational sciences, history and philosophy of education, Isfahan University.